

کرامت انسانی در اخلاق اسلامی

محمد رضایی

طلبه سطح چهار حوزه علمیه خراسان، دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی

و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

فهرست مطالب

چکیده/۳

مقدمه/۴

بخش اول : تحلیل واژگانی/۶

گفتار اول: کرامت انسانی/۶

الف) کرامت/۶

ب) انسان/۸

ج) اقسام کرامت انسانی/۹

۱. کرامت ذاتی/۹

۲. کرامت اکتسابی یا ارزشی/۱۰

گفتار دوم: اخلاق اسلامی/۱۱

بخش دوم : ویژگی های کرامت انسان/۱۴

۱. کرامت موهبتی الهی/۱۴

۲. مبنای حقوق انسان/۱۵

۳. غیر قابل سلب/۱۶

۴. غیر قابل اعراض/۱۶

۵. جهانشمول/۱۷

۶. نیازمند احترام و حمایت عمومی/۲۰

بخش سوم: نتیجه/۲۳

در اسلام اخلاق دارای جایگاهی ویژه و مقامی رفیع بوده، تا جایی که پیامبر اکرم هدف از رسالت خویش را تکمیل فضائل اخلاقی بیان می فرمایند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»<sup>۱</sup>. از سوی دیگر اندیشمندان اسلامی، اخلاق را بعد از خداشناسی شریفترین دانش اسلامی معرفی نموده و برخی نیز آنرا «فقه اکبر» می نامند.

علما اخلاق برای آن مبانی و اصول متعددی ذکر نموده اند که به نظر می رسد اولاً هدفمند بودن جهان هستی (جهان شناسی) و ثانیاً اختیار آدمی (انسان شناسی) - که هر دو مبتنی بر خداشناسی است - از مهمترین مبانی اخلاق به شمار می رود. در کنار آن، اصول متعددی نیز برای اخلاق اسلامی ذکر کرده اند: کرامت نفس، تقوا، توکل، خوف و رجا، حب، شکر، یقین، عزت نفس، غیرت، دوستی، ایثار، وجدان کاری، صله رحم و ...

آنچه در این مقال مورد بررسی قرار می گیرد جایگاه خاص کرامت انسان در اخلاق اسلامی است. کرامتی مبتنی بر معرفت شناسی و حیانی و نه انسان شناسی امانیستی. به عبارت دیگر نظر به اعطای کرامت به ابناء بشر و تکیه اخلاق به آن در سیر تکاملی آدمی، چنانچه خصوصیات این اصل که بنا به پیش فرض فرادینی می نماید، دقیق بازشناسی شود، می تواند نقش تعیین کننده ایی در گفتمان بین ادیانی ایفا نماید.

نظر به مطلق بودن اخلاق و فرادینی بودن عمده مبانی و اصول آن، می توان ادعا نمود با ترسیم روشنی از ابعاد و خصوصیات کرامت انسان می توان گام مهمی در تقریب مذاهب، صلح و امنیت پایدار جهانی و ... برداشت.

کلمات کلیدی: اخلاق، اسلام، کرامت، انسان، ادیان

<sup>۱</sup> طباطبایی، محمدحسین: المیزان، نشر بنیاد علمی علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش. ج ۱۹، ص ۳۷۷.

آدمی از دیرباز تا کنون که بیش از یک دهه از هزاره سوم نیز می گذرد، در اندیشه رشد و پیشرفت بوده و هست، پیشرفتی همه جانبه و فراگیر. هرچند در اعصار مختلف خدمات گوناگونی به ابناء بشر شده و علم و تکنولوژی توسعه قابل توجهی یافته است، اما به نظر می رسد گمشده وی آنچه به عنوان کمال حقیقی از آن یاد می شود هنوز جنبه آروزی داشته باشد. همان واقعیتی که در نگاه سلبی آن را بحران هویت بشریت مدرن می نامند.

از جمله موارد حائز اهمیت در دستیابی به این کمال حقیقی یا همان فعلیت یافتن همه اوصاف و استعدادهای انسانی، مقوله خطیر اخلاق انسانی است. ترسیم صحیح حدود اخلاق بسته به ارتباط وثیق شناختی فرد در گستره خداشناسی، جهان شناسی و انسان شناسی وی خواهد بود. به عبارت دیگر هرچند بتوان مبانی اخلاق و دستورات آن را مستند به عقل دانست و به نوعی آن را فرادینی تفسیر نمود، اما هیچگاه نمی توان از تعاملات دوسویه و تاثیرات سه حوزه شناختی انسان بر نگرشهای اخلاقی او غفلت نمود.<sup>۲</sup>

در آموزه های دینی معرفت شناسی آدمی از اهمیت والایی برخوردار است. از این رو شناخت آدمی که خود درک مقدماتی از خداشناسی و بالتبع آن جهان شناسی خواهد بود از منزلت والایی برخوردار می باشد.

از این روست که نبی مکرم اسلام می فرماید: «اعرفکم بنفسه اعرفکم بربه»<sup>۳</sup> یا امیر - المؤمنین علیه السلام در سخنی مشابه به همین نکته اشاره می نمایند: «افضل المعرفه معرفه الإنسان نفسه»<sup>۴</sup>. از این فرمایشات و فرمایشات نظیر این فهمیده می شود، خود شناسی کلید خداشناسی است زیرا آن کس که خود را بشناسد طبعا تعلق خود را خواهد شناخت و شناسایی چنین تعلق، جدا از شناسایی متعلق (خداوند متعال) نخواهد بود. در برخی احادیث نیز معرفت انفسی سودمندترین وسیله برای شناخت خود معرفی شده است: «المعرفه بالنفس انفع المعرفین»<sup>۵</sup>. مراد از دو معرفت آفاقی و انفسی می باشد که

۲. سبحانی، جعفر: اخلاق اسلامی، درسهایی از مکتب اسلام، قم، سال ۳۴، شماره ۱۱، ۱۳۷۶ ه.ش. ص ۲۰.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی: الامالی، خرسندی، تهران، ۱۳۸۹ ه.ش، ج ۲، صفحه ۳۲۹.

۴. آمدی، عبد الواحد بن محمد: غرر الحکم و درر الحکم، انصاریان، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش، ج ۲، صفحه ۳۸۷.

۵. همان.

در آیه شریفه «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»<sup>۶</sup> بدان اشاره شده است.

همین رهیافت در اخلاق نیز مورد توجه خاصی قرار گرفته و از ابعاد مختلف به آن نگریسته اند. یکی از رویکردهای اصیل اخلاقی به انسان، اصل کرامت وی می باشد. کرامتی که به نوعی مقوم انسانیت انسان نیز هست و برخورداری از حقوق بنیادین بشری متفرع بر پذیرش چنین اصلی خود نمایی می کند. سخن اخیر بدین معناست که دیگر صرفاً به مقوله کرامت انسانی به عنوان مولفه ای اخلاق نظر افکنده نمی شود و این اصل سبب تقنین قوانین، حقوق و تکالیف در حوزه تعاملات فردی و اجتماعی گردیده است.

این نوشتار به دنبال استقراء ممیزات خاص کرامت انسانی است تا با تکیه بر آن بتوان یکی از اصول اساسی اخلاق را با رهیافت اسلامی بازشناسایی نمود و به نقش کلیدی آن در تحقق کمال غایی بشر در عرصه بین ادیانی بهتر پی برد، عرصه ای که در حال حاضر بیش از گذشته نیاز به بازمهندسی منصفانه در کنکاش آموزه های ادیان دارد.

به عبارت دیگر ارزش مطالعه حاضر به نوع نگاه آن به کرامت انسانی به عنوان اصلی فرادینی در تبیین اخلاق اولاً و ثانیاً بیان اوصاف آن از منظر آموزه های اسلامی است. آنچه هدف اساسی در این بررسی تلقی می شود، استحصال مجموعه ویژگی های کرامت انسانی خواهد بود تا در این رهگذر بتوان به این سوال پاسخ داد که آیا اخلاق اسلامی بر کرامت انسانی استوار است؟ و اگر جواب مثبت باشد بنا به پیش فرض، کرامت انسانی دارای چه خصوصیتی بوده که چنین ویژگی یافته است؟

<sup>۶</sup>. فصلت/۵۳.

بخش اول : تحلیل واژگانی

گفتار اول: کرامت انسانی

برای وضوح ابعاد مختلف کرامت انسانی در گستره اخلاق اسلامی، به نظر می رسد در ابتدا می بایست مفهوم کرامت انسانی را از آن منظر، مورد دقت قرار دهیم. لهذا در این گفتار به تعریف کرامت انسانی پرداخته و در تکمیل بحث اشاره ای هم به اقسام آن خواهیم نمود.

الف) کرامت

درفرہنگ های زبان فارسی<sup>۷</sup> کرامت به معانی زیر آمده است:

۱- بزرگی ورزیدن

۲- جوانمرد گردیدن

۳- بزرگواری

۴- جوانمردی

۵- بخشندگی و دهش

۶- خارق عادتی که بدست ولی انجام یابد، کرامت نامیده می شود.

۷- معجزه ای که از پیامبر صادر گردد.<sup>۸</sup>

و مراد از کرامت نفس، یعنی کرامت کلیت و تمامیت انسان، کرامت روح انسان، چرا که مقصود از

تکریم انسان و علت تکریم او وجود روح الهی در اوست.<sup>۹</sup>

کریم و کرامت معنایی دارد که شاید در زبان فارسی، معادل بسیط نداشته باشد. پس باید چند نکته را

کنار هم بیاوریم تا معنی آن روشن شود.

روح بزرگوار و منزله از هر هستی را کریم گوئیم و کرامت یعنی نزاهت از پستی و فرومایگی و اکتساب

شرف، داشتن بلندی همت، احساس بزرگواری و بزرگی، حریت و آزادی می باشد محور اساسی

کرامت، تقوی الهی است و تقوی نیز براساس و محوریت، عبودیت خداوند عَلَيْهِ السَّلَام قوام و سامان می

<sup>۷</sup> . دهخدا، علی اکبر: لغت نامه دهخدا، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش، ج ۱۱، ص ۱۶۰۷۰.

<sup>۸</sup> . رک: معین، محمد: فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ ه.ش، ذیل کرامت.

<sup>۹</sup> . عالی نژاد، جمشید: بررسی کرامت نفس انسان در اسلام و مقایسه آن با دیدگاه فلاسفه معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۱۴.

گیرد.<sup>۱۰</sup> کرامت، نزهت از پستی و فرومایگی است و برای ترجمه [ دقیق ] آن باید چند کلمه کنار هم باشد: روح بزرگوار و منزّه از هر پستی.<sup>۱۱</sup>

به گفته فراهیدی در العین «کرامت» اسمی است از اکرام که به جای آن به کار می رود. مانند طاعت که به جای اطاعت به کار می رود.<sup>۱۲</sup>

ابن فارس در معجم مقاییس اللغة ذیل واژه «کرم» می گوید: «أصلُ صَحيحٌ لَهُ بابان، شَرَفٌ فِي الشَّيْءِ فِي نَفْسِهِ أَوْ شَرَفٌ فِي خُلُقٍ مِنَ الاخلاقِ. يُقالُ رَجُلٌ كَرِيمٌ وَ فُرسٌ كَرِيمٌ وَ نَباتٌ كَرِيمٌ. كَرَمَ السَّحابُ أتی بِالغَيْثِ وَ أَرْضٌ مَكْرَمَةٌ لِلنَّبَاتِ إِذا كَانَتْ جَيْدَةً لِلنَّبَاتِ.»<sup>۱۳</sup>

کرامت مانند ولایت و شهادت وصف نفسی است که لازمه آن افاضه به دیگران است و معادل عطا و هبه نمی باشد که وصف نسبی است. در تبیین فرق بین وصف نسبی و نفسی می توان فقاهت و مرجعیت را مثال زد.<sup>۱۴</sup>

کرامت با شبهات های بسیار به آنچه بیان شده در فرهنگ لغات دیگر هم تعریف شده است. « ارزش و شایستگی ذاتی انسان که بر اساس ماهیت انسان و انسانیت وی به رسمیت شناخته شده و به عنوان مبنای فلسفی - حقوقی تمام حقوق بشر می باشد. کرامت انسان با تنظیم استانداردهای بین المللی حقوق بشر که محدود کننده دولت در ارتکاب اعمال یا قصور در عمل که منجر به نقض کرامت انسانی است، حفظ شده و ارتقاء می یابد. حقوق بشر از شان و منزلت انسانی محافظت می کند. هر انسانی دارای کرامت ذاتی و غیر قابل انتقال می باشد. اساس حقوق بشر است به حیثیت و کرامت ذاتی انسان بر می گردد.»<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۰</sup> . رک: جمشیدیان، عبدالرسول: کرامت نفس در تربیت اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۷۰ هـ.ش.

<sup>۱۱</sup> . همان، صص ۲۱-۲۲.

<sup>۱۲</sup> . الفراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد: العین، چاپ دوم، موسسه دارالهجره، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۳۶۸.

<sup>۱۳</sup> . ابن فارس: معجم مقانیس اللغة، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ هـ.ق، ج ۲، ص ۴۴۰.

<sup>۱۴</sup> . خاوری یعقوب: حمایت قانونی از کرامت انسان در قوانین ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، ۱۳۷۹ هـ.ش، صص ۹-۸.

<sup>۱۵</sup> . H. Victor Condé: A Handbook of International Human Rights Terminology, University of Nebraska Press, Lincoln, ۱۹۹۹, p ۵۷.

در فرهنگ فشرده آکسفورد کرامت به معنای بزرگواری، عزت، شرافت و ارزش واقعی، رتبه و درجه معنا شده است.<sup>۱۶</sup> کرامت توانایی به ایجاد حس خود ارجمندی و اعتماد به نفس و احترام به قدر و منزلت دیگران نیز مورد اشاره قرار گرفته است.<sup>۱۷</sup>

#### ب) انسان

این کلمه ۶۵ بار در قرآن مجید بکار رفته است. با مراجعه بموارد آن خواهیم دید که از آن جسد ظاهری و صورت ظاهری مراد نیست چنانکه در بشر مراد است، بلکه باطن و نهاد و استعداد و انسانیت و عواطف او در نظر است، مثل «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»<sup>۱۸</sup> «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»<sup>۱۹</sup> «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»<sup>۲۰</sup> «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>۲۱</sup> «وَصَبَّحْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا»<sup>۲۲</sup>. اما در کتب لغت درباره ریشه و معنای آن بحثهای مفصلی انجام شده است: «والتحقيق أن الأصل الواحد في هذه المادة: هو القرب مع الظهور بعنوان الاستيناس، في مقابل النفور والوحشة والبعد. وهذا المعنى محفوظ في جميع صيغ مشتقاتها. واما ما ينفر فكالوحوش والحيوان، و ما لا يظهر ولا يستأنس فكالجن».

فباستبار معنى الظهور فى مفهومها: تستعمل فى مقابل الجن: «يا معشر الجن والانس»<sup>۲۳</sup> و الإنسان: أصله الإنس و هو اسم جنس زيدت فيه الالف و النون، فيدل على التشخص و خصوصية زائدة: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»<sup>۲۴</sup> و أما القول بأن الإنسان مشتق من النسيان، أو أن الناس من النوس، أو أن الاستيناس بمعنى الاستيدان: فغير صحيح.<sup>۲۵</sup>

<sup>۱۶</sup>. Shorter Oxford English Dictionary, <sup>th</sup>, Oxford University press, London, ۲۰۰۲, p ۶۷۹.

<sup>۱۷</sup>. Blake E. Ashforth: Dignity at Work, Administrative Science Quarterly, Vol. ۴۷.No. ۴, Cornell University,

۲۰۰۲, p ۳۲۰.

<sup>۱۸</sup>. ابراهيم، ۳۴.

<sup>۱۹</sup>. اسراء، ۱۱.

<sup>۲۰</sup>. كهف، ۵۴.

<sup>۲۱</sup>. نجم، ۳۹.

<sup>۲۲</sup>. احقاف، ۱۵.

<sup>۲۳</sup>. انعام، ۱۳۰.

<sup>۲۴</sup>. يوسف، ۵.

و الإنسان قيل: سمى بذلك لأنه خلق خلقه لا قوام له إلا بإنس بعضهم ببعض، و لهذا قيل: الإنسان مدنيّ بالطبع، من حيث لا قوام لبعضهم إلا ببعض، و لا يمكنه أن يقوم بجميع أسبابه، و قيل: سمى بذلك لأنه يأنس بكلّ ما يألفه، و قيل: هو إفعالان، و أصله: إنسيان، سمى بذلك لأنه عهد الله إليه فني. <sup>٢٦</sup>

### ج) اقسام كرامت انسانی

مناسب به نظر می رسد در تشریح جایگاه کرامت انسانی در نظام اخلاق اسلامی اشاره ای هم به اقسام کرامت انسانی شود.

#### ١. کرامت ذاتی

کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسانها مادامیکه با اختیار خود به جهت ارتکاب خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران آن کرامت را از خود سلب نکنند از این صفت شریف بر خوردارند. به طور کلی مفسرین و علمای دین، در تبیین آیه ٧٠ سوره اسراء به کرامت ذاتی انسان اشاره کرده و آن را به نوع انسان و نوع بشریت اختصاص داده اند. بخصوص بر روی واژه، بنی آدم در آن آیه تکیه کرده و آنرا به نوع انسان نسبت می دهند. <sup>٢٧</sup>

ظاهر این آیه «ولقد کرّمنا بنی آدم» افزون بر اینکه جای هیچ گونه شکی در تکریم انسان از جانب خداوند ﷻ باقی نمی گذارد، بیانگر کرامت ذاتی او نیز هست. <sup>٢٨</sup> یعنی اینکه انسان فی نفسه صرف نظر از آنکه پیرو دین خاصی باشد یا نباشد، از این کرامت الهی برخوردار است. مفسران ما بر این امر انگشت صحه گذاشته و عموم مشرکان، کافران، و فاسقان را مشمول این نوع کرامت می دانند. علامه طباطبائی در تفسیر آیه فوق می فرماید: «ظاهر آنست که این آیه بیان حال عموم بشر است. با چشم پوشی از اختصاص برخی از انسانها به کرامت خاص الهی در قرب و فضیلت روحی آنها این کرامت عموم مشرکین و کافران و و فاسقان را شامل می شود.» <sup>٢٩</sup>

کرامت در معنای عام خود دلالت بر وجود کیفیتی خاص در حامل آن اعم از انسان و غیر انسان دارد که سبب برتری و امتیاز او نسبت به دیگران محسوب می شود. این معنا از کرامت جنبه عرضی دارد و

٢٥ . مصطفوی، حسن: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ١٣٦٠ هـ ش، ج ١، ص، ١٦٠ تا ١٦٢.

٢٦ . راغب اصفهانی، حسین بن محمد: المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دارالعلم، بیروت، ١٤١٢ هـ ق، ص ٩٤.

٢٧ . جوادی آملی، عبد الله: کرامت در قرآن، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ١٣٦٦ هـ ش، ص ٩٥.

٢٨ . رک: حوی، سعید: الاساس فی التفسیر، چاپ دوم، نشر دارالسلام، قاهره، ١٤٠٩ هـ ق، ج ٦، ص ٣١٠٢.

٢٩ . طباطبائی، سید محمد حسین: پیشین، ج ١٣، ص ١٥٦.

قابل اکتساب و زوال نیست.<sup>۳۰</sup> اما وقتی کرامت به انسان نسبت داده می شود به معنای نفی امتیازهای عرضی و راجع به حرمتی است که هر انسانی بما هو انسان از آن برخوردار است. این معنا از کرامت ذاتی انسان است و نه بدست می آید و نه از دست می رود.<sup>۳۱</sup>

## ۲. کرامت اکتسابی یا ارزشی

گذشته از کرامت ذاتی، انسان می تواند به کرامت اکتسابی هم دست یابد.<sup>۳۲</sup> کرامت ارزشی از بکار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می گردد. این کرامت اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است.

یعنی وقتی دستورات خداوند عز و جل را اطاعت و اجرا کرد و نواهی او را ترک کرد، می تواند در سایه تقوا به کرامت اکتسابی دست پیدا کند.

البته باید توجه داشت که کرامت اکتسابی انسان - برخلاف کرامت ذاتی - نوعی و عمومی نیست بلکه تنها کسانی ممکن است به آن دست پیدا کنند که با آگاهی و معرفت و در سایه عمل صالح از گذرگاه و معبر تقوا عبور کنند. باید توجه داشت که همانگونه که انسان از لحاظ ذاتی بر تمامی موجودات به جز فرشتگان برتری دارد، یعنی بر تعداد کرامت دارد و از نظر کرامت از فرشتگان عقب است همینطور از نظر کرامت اکتسابی نیز می تواند از فرشتگان برتر شود و اگر جهت کسب انسان دثانت و پستی نفس باشد می تواند کرامت ذاتی خویش و برتری خود را از دست داده و از حیوانات نیز پست تر شود. به بیان دیگر کرامتی که به انسانها بخشیده شده است، کرامتی نیست که برای همه انسانها افتخار بیافریند. شرافتی که موجب افتخار می شود در گرو اعمال و رفتار اختیاری انسان است و اینکه چگونه از نعمتهای خداوند متعال در جهت کمال انسانی سود جوید.<sup>۳۳</sup>

۳۰. رک: و.ژ. گانزوف: حمایت حقوق بشر در حقوق اساسی، ترجمه نجاد علی الماسی، چاپ اول، انتشارات موسسه حقوق تطبیقی، ص

۲۷.

۳۱. صادقی، محمود: کرامت انسانی مبنای منع همانند سازی انسان در اسناد بین المللی، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲ و ۳

، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۲۱.

۳۲. رک: قرآنی، محسن: گناه شناسی، تهران، انتشارات بهار آزادی، ۱۳۶۹ ه.ش، ص ۲۶۴.

۳۳. مصباح، محمد تقی: نظریه حقوقی اسلامی، چاپ اول، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۰ ه.ش، ص

۲۸۷.

از دیدگاه اسلام ملاک همه ارزشها تقوا می باشد و براساس تقوا امتیازات ظاهری لغو می شود و امتیاز مادی نیز ایجاد نمی کند، یعنی اینگونه نیست که هرکس که تقوایش بیشتر است از حقوق مادی بیشتر برخوردار باشد، بلکه تقوا یک امتیاز معنوی است « إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىكُمْ »<sup>۳۴</sup> بزرگوارترین شما نزد خداوند با تقواترین مردمند.

در فرهنگ «روبر» ذیل کلمه Dignity آمده است: «زنون معتقد است که انسان دارای حیثیت و مقام بلند استو این نه تحت عنوان شهروندی بلکه به عنوان انسان. او علاوه بر وظایف خود نسبت به قانون، نسبت به خویشان نیز وظایفی دارد و عالی ترین شایستگی او زیستن و مردن برای کشور خود نیست، بلکه در تقوی زیستن و کسب رضای خداوند است.»<sup>۳۵</sup>

گفتار دوم: اخلاق اسلامی

اخلاق، جمع خُلُق و خُلُق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می رود که با بصیرت درک می شود؛ در مقابل خُلُق که به صورت ظاهری انسان گفته می شود، که با چشم قابل رویت است.<sup>۳۶</sup>

با بررسی اجمالی منابع اخلاق شاید رایج ترین تعریف برای آن تعریف ابن مسکویه باشد:

«صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تامل از آدمی صادر شود.»<sup>۳۷</sup>

برخی نیز اخلاق را به صورت صفت فعل به کار برده اند که در این صورت به معنای کار اخلاقی است و از این جهت آن فعل خارجی و لو از هیئت راسخه در نفس پدید نیامده باشد به فاصله یا ردیله بودن متصف می شود. شهید مطهری تعریفی از اخلاق را می پذیرد که هم به چگونه رفتار کردن توجه کرده باشد و هم به چگونه بودن؛ چگونگی رفتار مربوط می شود به اعمال انسان که شامل گفتار هم می شود و چگونه بودن مرتبط با صفات و ملکات نفسانی است.<sup>۳۸</sup>

<sup>۳۴</sup> . حجرات، ۱۳.

<sup>۳۵</sup> . هنجی، علی: پیدایش حقوق بشردوستانه جنگ و جلوه هایی از حفظ حیثیت انسانی در رفتار رزمندگان با یکدیگر، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شماره ۳۹، ۱۳۸۳ ه ش، ص ۹۰.

<sup>۳۶</sup> . الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار مکتبه الحیاه، بی تا، ج ۶، ص ۳۳۷ و ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق. ج ۴، ص ۱۹۴.

<sup>۳۷</sup> . ابی علی مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار، بی تا، ص ۵۱.

<sup>۳۸</sup> . مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، حکمت عملی، انتشارات صدرا، چاپ اول، ص ۲۲.

اما اخلاق علمی است که از ملکات انسانی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست صحبت می‌کند، و او را به فضایل و رذایل اخلاقی آشنا می‌سازد تا بتواند صفات فاضله را کسب کرده و از رذایل پرهیز نماید و یا اینکه علم اخلاق، علمی است که از انواع صفات خوب و بد، صفاتی که ارتباط با افعال اختیاری انسان دارد، و از کیفیت اکتساب این صفات و یا دور کردن صفات رذیله بحث می‌کند.<sup>۳۹</sup>

مرحوم علامه طباطبایی در این باره معتقد است: «علم اخلاق عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست، به این غرض بحث میکند که فضائل آنها را از رذائلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست، و کدامیک بد و رذیله و مایه نقص اوست، تا آدمی بعد از شناسائی آنها خود را با فضائل بیاراید، و از رذائل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را بخود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند.»<sup>۴۰</sup>

نظام اخلاقی اسلام دارای ویژگی‌های منحصر به فرد نیز می‌باشد. شناخت این ویژگی‌ها می‌تواند ترسیم‌گر تصویری صحیح از جایگاه اخلاق در مجموعه معارف اسلامی باشد.

۱. فراگیری و شمول: بدین معنی که انواع مختلف افعال انسان، مانند افعال خاص هر فرد، در ارتباط با خانواده و یا با کردها و جوامع مختلف انسانی و افعال فرد در ارتباط با خدای متعال ارزش گذاری می‌شوند، یعنی انسان در انواع فعالیت‌ها و ارتباط‌های خود قادر به کسب ارزشهای اخلاقی است.

۲. هماهنگی و انسجام درونی: در نظام اخلاقی اسلام با در نظر گرفتن مراتب وجودی انسان و کمالات و لذایذ و خرامت‌های هر مرتبه، مصداق کمال و لذت مطلوب نهایی انسان تعیین شده و همه اعمالی که در این جهت واحد هستند هماهنگ گردیده براساس آن ارزیابی شده‌اند.

<sup>۳۹</sup> . مصباح، محمد تقی: دروس فلسفه اخلاق، چاپ سوم، انتشارات مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش، ص ۱۰.

<sup>۴۰</sup> . طباطبایی، محمد حسین: پیشین، ج ۱، ص ۵۸.

۳. قابلیت تبیین عقلانی: در این نظام، قوانین اخلاقی صرفاً مبتنی بر احساسات، عواطف و احکام صادره از سوی فرد و اجتماع نبوده، انشایی محض نیستند، بلکه با اتکاء به جهان بینی اسلامی منبأ و پشتوانه واقعی دارند و لذا قابل تبیین و استدلال می‌باشند.

۴. توجه به تمام نیازها و ابعاد انسان: نظام اخلاقی اسلام با محور قراردادن خدا، بین همه ابعاد و نیازهای اصیل انسانی جمع نموده، دستیابی به همه آنها را با هم ممکن ساخته است.

۵. توجه به حسن فاعلی و فعلی: در نظام اخلاق، علاوه بر خود عمل و نتایج آن، به نیت که نقش جهت دهنده به عمل را دارد، توجه شده است به گونه‌ای که نیت، روح و منشأ اساسی ارزش اخلاقی عمل به حساب می‌آید.

۶. مراتب داشتن ارزش‌ها: در این نظام، ارزشها دارای مراتب و درجات مختلفی‌اند که نسبت به میزان خلوص نیت و آثار آن متفاوت است و بدین جهت دسترسی به بعضی از مراحل آن برای عموم انسان‌ها به آسانی میسر است.<sup>۴۱</sup>

---

<sup>۴۱</sup> . مصباح، مجتبی: فلسفه اخلاق، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۱ هـ- ص ۱۶۱.

بخش دوم : ویژگی های کرامت انسان

### ۱. کرامت موهبتی الهی

به نظر بسیاری از علما و اندیشمندان اسلامی ، کرامت انسانی موهبتی الهی است که از جانب خدای تعالی با نوع انسان ارزانی شده است . این مطلب مستفاد ظهور آیه ۷۰ سوره اسرا هم می باشد آنجا که خداوند اعطای این کرامت را منسوب به خود معرفی می فرماید « کرمانا».

در تفسیر کشف الأسرار و عدۀ الأبرار « کرمانا» را اینگونه معنا کرده است: « ای شرفناهم و اکثرنا لهم الكرامة»<sup>۴۲</sup>

مرحوم طبرسی در ذیل این آیه می فرماید: « ابن عباس می گوید: یعنی بنی آدم را برتری بخشیده ایم. بدیهی است که همه افراد بنی آدم از این خلعت برتری بر اندامشان پوشیده نشده است. اینکه همه را می گوید، بخاطر آنهاست که برتری یافته و در میان جمع هستند. مثل « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ »<sup>۴۳</sup> شما مسلمانان بهترین امتی هستید که برای مردم بیرون آورده شده اید.

برخی گفته اند: « با اینکه در میان اولاد آدم، افراد کافر و گمراه بسیارند، مع - الوصف همه را به خلعت کرامت، مفتخر ساخته، زیرا منظور این است که آنها را به نعمتهای دنیا و صورت های زیبا و تسخیر موجودات و وجود پیامبران، گرامی داشته شده اند.» برخی نیز معتقدند: « یعنی رفتار ما با آنها احترام آمیز است.» این احترام و برتری، بگفته ابن عباس و ضحاک به قوت و عقل و نطق و تمیز است.»<sup>۴۴</sup>

المیزان در این باره می نویسد: « این آیه در سیاق منت نهادن است، البته متی آمیخته با عتاب، گویی خدای تعالی پس از آنکه فراوانی نعمت و تواتر فضل و کرم خود را نسبت به انسان ذکر نمود و او را برای به دست آوردن آن نعمتها و رزقها و برای اینکه زندگیش در خشکی به خوبی اداره شود سوار بر کشتیش کرد. و او پروردگار خود را فراموش نموده و از وی رو گردانید، و از او چیزی نخواست و بعد از نجات از دریا باز هم روش نخست خود را از سر گرفت با اینکه همواره در میان نعمت های او

۴۲ . رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد: کشف الأسرار و عدۀ الأبرار، چاپ پنجم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ هـ.ش، ج ۵،

ص ۵۸۸.

۴۳ . آل عمران، ۱۱۰.

۴۴ . طبرسی، فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ هـ.ش، ج ۶، ص ۶۶۲.

غوطه‌ور بوده اینک در این آیه خلاصه‌ای از کرامتها و فضل خود را می‌شمارد، باشد که انسان بفهمد پروردگارش نسبت به وی عنایت بیشتری دارد، و مع الأسف انسان این عنایت را نیز مانند همه نعمتهای الهی کفران می‌کند.

از همین جا معلوم می‌شود که مراد از آیه، بیان حال جنس بشر است،<sup>۴۵</sup> صرفنظر از کرامتهای خاص و فضائل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده، بنا بر این این آیه مشرکین و کفار و فاسقین را زیر نظر دارد، چه اگر نمی‌داشت و مقصود از آن انسان‌های خوب و مطیع بود معنای امتنان و عتاب درست در نمی‌آمد.

پس اینکه فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، و با همین خصوصیت است که معنای "تکریم" با "تفضیل" فرق پیدا می‌کند، چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود، به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد.

حال که معنای تکریم و فرق آن با تفضیل روشن شد اینک می‌گوئیم: انسان در میان سایر موجودات عالم خصوصیتی دارد که در دیگران نیست، و آن داشتن نعمت عقل است، و معنای تفضیل انسان بر سایر موجودات این است که در غیر عقل از سایر خصوصیات و صفات هم انسان بر دیگران برتری داشته و هر کمالی که در سایر موجودات هست حد اعلای آن در انسان وجود دارد.

## ۲. مبنای حقوق انسان

ریشه حقوق انسان، کرامت انسان است و حفظ آن، هدف این حقوق می‌باشد.<sup>۴۶</sup> حتی از منظر اسلام کرامت نه تنها مبنا و ریشه حقوق انسان است بلکه فلسفه بعثت انبیا می‌باشد. «فلسفه بعثت

۴۵. رک: قرآنتی، محسن: تفسیر نور، چاپ اول، چاپ مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۰ هـ.ش، ج ۷، ص ۹۵.

۴۶. فتوحی سرور، احمد: القانون الدولي الانسانی، چاپ اول، چاپ دار المستقبل العربی، القاہرہ، ۲۰۰۳ م، ص ۱۹.

انبیاء و بخصوص پیامبر اسلام آزاد کردن انسان از قید و بندها [ی جاهلی] و توجه دادن او به حیثیت ذاتی و کرامت و شرافت انسانی خویش است.<sup>۴۷</sup>

حقوق بنیادین [انسان] همگی بر مفهوم و اصل کرامت و ارزش ذاتی حیات انسان بنا شده اند. به طور کلی در مباحث و اسناد حقوق بشر وقتی از حیات و کرامت انسان سخن به میان می آوریم در حقیقت به مبنای حق اشاره می شود.<sup>۴۸</sup>

### ۳. غیر قابل سلب

حقوق اساسی و بنیادین انسان، محصول ضرورتها و مقتضیات خاص اجتماعی و شرائط زمانی و مکانی نیست. چراکه اینگونه حقوق قبل از چیزی حقوق فطری هستند و لذا فی نفسه ثابت، غیر قابل سلب و ذاتی می باشند. انسانها به خاطر انسان بودنشان به دلیل کرامت انسانی باید از آنها برخوردار باشند. اینگونه حقها ریشه در فطرت داشته و از بدیهیات عقل عملی به شمار می آیند و دیدگاه شریعت نسبت به آنها ارشادی است.<sup>۴۹</sup>

### ۴. غیر قابل اعراض

همانگونه که سابقا به دو نوع کرامت انسان اشاره شد باید گفت کرامت اکتسابی نه فقط بعنوان حق برای انسان مطرح است که صیانت از کرامت ذاتی و تحصیل کرامت اکتسابی بعنوان یک تکلیف مطرح است. لذا نه فقط دیگران حق ندارند به کرامت انسان آسیب برسانند بلکه خود وی نیز محق نیست تن به ذلت و خواری دهد و کرامت خود را لگد مال نماید. کرامت انسانی فقط منحصر به دوران حیات انسان نیست حتی جنازه او نیز واجد حرمت است و شکستن حریم آن جایز نیست.

حیثیت که مترادف آبرو، اعتبار و شئون زندگی اجتماعی است، تجلی حیات معنوی افراد در روابط اجتماعی تلقی می شود. به همین دلیل حیثیت در حقوق اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، تا آنجا که

<sup>۴۷</sup> . مهرپور، حسین: حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، چاپ موسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ هـ. ش، ص ۳۶.

<sup>۴۸</sup> . see: William F. Schulz: Human rights for human dignity A primer on economic, social and cultural rights, Oxford, London, ۲۰۰۵, p۱۵.

<sup>۴۹</sup> . منتظری، حسین علی: رساله حقوق، چاپ دوم، انتشارات سرایی، قم، ۱۳۸۳ هـ. ش، ص ۱۵.

لطمه وارد کردن به حیثیت و شرف و شخصیت مؤمن حتی برای خود شخص نیز جایز نیست.<sup>۵۰</sup> به عبارت دیگر فرد حق ندارد به کرامت خود آسیبی بزند یا از آن اعراض نماید.

#### ۵. جهانشمول

اکنون که الهی بودن کرامت از منظر اسلام بررسی شد و بیان شد حقوق انسانی می بایست از طریق شریعت و وضع شود باید دید اصول جهانشمولی حقوق اسلامی<sup>۵۱</sup> چیست. در اینجا فقط به دو اصل در این رابطه اشاره می شود:

اصل اول: فطری و فرا ایمانی بودن حقوق بشر اسلامی: یکی از ویژگی‌های حقوق بشر اسلامی آن است که فرا ایمانی و مبتنی بر فطرت بشر است؛ فطرتی که میان همه انسان‌ها مشترک است. بخشی از وظایف و تکالیف اسلامی مربوط به مسلمانان و مؤمنان است و قرآن کریم و روایات با تعبیر «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و نظیر آن، افراد را مورد خطاب قرار داده است؛ مثل روزه و نماز. گرچه همه انسان‌ها مکلف به این شریعت هستند، اما نخست باید به توحید و نبوت بگردند تا آن‌گاه مخاطب این دستورات قرار گیرند و برخی از دستورات، مقتضای انسانیت انسان است و نه مقتضای ایمان وی؛ مانند رعایت عدالت، خوبی به کسانی که به ما احسان کرده‌اند، احترام به پدر و مادر، استادان و همه کسانی که بر ما حقی دارند و حقوق بشر در اسلام، از این قبیل است و بنابراین، حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات مربوط به تمامی انسان‌ها می‌باشد و از این‌رو، قابل تعمیم به همه اقوام و ملل می‌باشد.

دلایل عمومیت این حقوق بسیارند، اما تنها به سه دلیل اشاره می‌شود: دلیل اول، به دو آیه قرآن و یک حدیث از نهج‌البلاغه اشاره می‌کند:

۱. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ»<sup>۵۲</sup> خداوند شما را از نیکوکاری و عدالت درباره کسانی که با شما در دین، جنگ و کشتار ندارند و شما را از وطن‌هایتان بیرون نرانده‌اند، نهی نکرده است.

<sup>۵۰</sup> حر عاملی، محمدبن حسن: وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۱ هـ ق، ج ۱۱، ص ۴۲۴.

<sup>۵۱</sup> حسینی، سید ابراهیم: حقوق بشر و چالش‌های فرا رو در آئینه فلسفه حقوق اسلامی، مجله معرفت، شماره ۸۲، ۱۳۸۳ هـ ش، صص ۵۴-۵۵.

<sup>۵۲</sup> ممتحنه، ۸.

۲. «هل جزاء الاحسان الا الاحسان»<sup>۵۳</sup> آیا پاداش نیکی جز کار نیک و برخورد نیکوست؟

۳. دستور قاطعانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر نخعی برای اداره کشور به عنوان استاندار و حاکم مصر که امام علیه السلام که در آن فرمودند: «و اشعر قلبک الرّحمة للرّعیة والمحبّة لهم و اللّطف بهم و لا تكوننّ علیهم سبعا ضاریا تغتنم أكلهم فانّهم صنفان: اما أخ لك في الدین و اما نظیر لك في الخلق»<sup>۵۴</sup> ای مالک! رحمت بر رعیت و محبت و لطف بر همه آنان را بر قلبت قابل دریافت نما و برای آنان درنده‌ای خون‌آشام مباش؛ زیرا همه آنان از دو حال خالی نیستند؛ یا برادر دینی تواند و یا نظیر و هم‌نوع تو در خلقت.

روشن است که هیچ رحمت، محبت و لطفی درباره مردم، بالاتر از آن نیست که همه آنان به حقوق طبیعی و فطری خود برسند<sup>۵۵</sup> و در حقیقت، این دستور امام علی علیه السلام به معنای کرامت انسان و تکلیف حاکمان به تکریم آنان از هر مذهب و مسلکی است؛ یعنی همین که شایسته نام «انسان» باشند دارای این حقوق می‌باشند، مگر در صورتی که خود با رفتارهای ناشایست، این کرامت را از خود سلب کنند. اصل دوم: سهولت و سماحت و کرامت حقوق اسلامی: یکی دیگر از ویژگی‌های حقوق اسلامی، عدم تحمیل فرهنگ اسلامی به پیروان دیگر مذاهب و احترام به اصل همزیستی مسالمت‌آمیز است. علامه جعفری در این زمینه می‌نویسد: اسلام در مورد حقوق و تکالیفی که به هر یک از ملل و جوامع اختصاص دارد و مستند به فرهنگ و دیگر عوامل و موقعیت‌های حیاتی مخصوص به خود آن است، نه تنها مقررات حقوقی و تکلیفی خود را به هیچ‌یک از اقوام و ملل تحمیل نمی‌کند، بلکه مطابق آیات شریفه قرآن و دیگر مبانی فقهی خود، آن‌ها را در طرز اندیشه و رفتاری که درباره مقررات خود دارند، آزاد می‌گذارد. البته در آن موارد که خطا و اشتباه مردم در معتقدات و مقررات ثابت شود، اسلام بر مبنای اصلاح انسان و انسانیت و با مناسب‌ترین شیوه، هدایت و ارشاد آنان را به عهده می‌گیرد. چند دلیل روشن برای این مطلب می‌توان در نظر گرفت:

<sup>۵۳</sup> . الرحمن، ۶۰.

<sup>۵۴</sup> . نوری، میرزا حسین: **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، چاپ دوم، نشر موسسه آل البیت

الاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۱۳، ص ۱۴۶.

<sup>۵۵</sup> . جعفری، محمد تقی: تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر، چاپ اول، نشر دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰ هـ ش، ص ۳۰۰.

دلیل اول آیات شریفه قرآنی است؛ مانند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»<sup>۵۶</sup> بگو ای اهل کتاب! بیاید در یک کلمه مشترک با یکدیگر هماهنگ شویم [و آن این است که [نپرسیم، مگر خدا را و هیچ چیز را با او شریک قرار ندهیم و هیچ یک از ما دیگری را برای خود معبود اتخاذ نکنند... .

روشن است که مقصود از «دعوت به یک کلمه مشترک»، دعوت برای همزیستی مطلوب بر مبنای آن کلمه است که عبارت است از: توحید مطلق خداوندی و شریک قرار ندادن با او و عدم اتخاذ هیچ کس به ربوبیت.

دلیل دوم، قاعده معروف «الزام» است. این قاعده می‌گوید: «الزموهم بما الزموا به انفسهم» (آنان را که با شما هم مکتب نیستند، به آنچه که آنان خود را ملزم بدان می‌دانند، الزام کنید). معنای این قاعده آن است که مسلمانان باید به حقوق و تکالیفی که مردم غیرمسلمان به آن مقید و ملتزم هستند، احترام بگذارند و آن را درباره ایشان مراعات کنند مانند آنچه درباره ازدواج و ارث نسبت به پیروان سایر مذاهب و مکاتب رعایت می‌شود، مگر آنکه انحرافی عظیم در این معتقدات یا برنامه‌های رفتاری باشد که قابل به رسمیت شناختن نباشد.

لازمه ارزشمندی و کرامت، تحفظ کیان، شخصیت و حقوق خاص برای همه انسان‌هاست که هیچ کسی نمی‌تواند آن را سلب کند و در محدودهای خاص قرار نمی‌گیرد از آن جمله حق حیات ویژه جسمانی و معنوی است. نماد اجتماعی کرامت انسانی برقراری عدالت، تأمین رفاه اقتصادی برقرار امنیت، احیای هویت و فرصت تعامل اجتماعی و فرهنگی است.<sup>۵۷</sup>

به بیان دیگر حقوق بشر به‌طور اساسی در شمول و فراگیری خود در زمینه آحاد انسانی نباید دچار تبعیض شود و باید همه انسان‌ها را به طور یکسان در زیر چتر حمایتی خود داشته باشد.<sup>۵۸</sup>

اصل سوم: عدالت اصل بنیادین حقوق بشر اسلامی: در اندیشه اسلامی، «عدالت» بنیان استوار، بلکه استوارترین بنیان حقوق است؛ چنان که استاد شهید مطهری گفته است: «اصل عدالت از مقیاس‌های

<sup>۵۶</sup> . آل عمران، ۶۴.

<sup>۵۷</sup> . ایازی، سید محمد علی: کرامت انسان و آزادی در قرآن، فصلنامه بینات، شماره ۵۳، ۱۳۸۶ هـ ش، ص ۲۷.

<sup>۵۸</sup> . باقر زاده، محمد رضا: اندیشه جهان شمولی حقوق بشر (دیدگاه مقایسه ای میان اعلامیه جهانی و اسلام)، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۶، ۱۳۸۴ هـ ش ص ۱۴.

اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است، نه در سلسله معلولات. نه این است که آن چه دین گفته عدل است، بلکه آن چه عدل است، دین می‌گوید.<sup>۵۹</sup> «و علمای اسلام با تبیین و توضیح اصل عدل، پایه فلسفه حقوق را بنا نهادند.»<sup>۶۰</sup>

روح قرآن و اسلام، دعوت به عدالت است. قرآن کریم یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی را برپاداشتن قسط و عدل معرفی کرده است: «لقد أرسلنا رُسُلنا بِالْبَيِّناتِ و أنزلنا مَعَهُمُ الْكِتَابَ و الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۶۱</sup>؛ چنان‌که تمام اوامر الهی بر مبنای عدل استوارند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ و الْإِحْسَانِ»<sup>۶۲</sup> و هرگز خداوند نه در تشریح و نه در تکوین، ظلم روا نمی‌دارد، حتی اراده ظلم هم نمی‌کند: «وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ»<sup>۶۳</sup>؛ چه این‌که اساس جهان هستی، خواه در آفرینش و خواه در نظام قانونگذاری بر پایه عدالت صورت می‌گیرد. رسول گرامی فرمودند: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ و الْأَرْضُ» یا «عدالت میزان و ترازوی خداوند در روی زمین است» یا حضرت علی علیه السلام فرمودند: «عدالت، مبنا و ملاک حکم است.»<sup>۶۴</sup>

#### ۶. نیازمند احترام و حمایت عمومی

با ارزش ترین و سازنده ترین تعهدی که دولتها می‌توانند ببندند، تعهد برای تامین احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر [ که مبتنی بر کرامت انسانها می‌باشد ] و آزادی های اساسی وی است. در این راه بایستی با آماده کردن عوامل پذیرش این حقوق به وسیله قابل هضم نمودن حیثیت و شرف انسانی گام برداشت. لذاست که بر نیاز شدید به تفاهم در اصول ارزشها و حیثیت ذاتی انسانی اصرار می‌ورزیم.<sup>۶۵</sup>

این احترام آن قدر مهم و اساسی است که برخی کرامت را به همین معنا آورده اند: «کرامت احترام به خود یعنی احترام به جوهر الهی ذات خود است.»<sup>۶۶</sup>

۵۹. مطهری، مرتضی: بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، نشر حکمت، تهران، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۴.

۶۰. مطهری، مرتضی: نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هشتم، انتشارات صدرا تهران، ۱۳۵۷ هـ.ش، ص ۱۲۴.

۶۱. حدید، ۲۵.

۶۲. نحل، ۹۰.

۶۳. غافر، ۳۱.

۶۴. حر عاملی، محمدبن حسن: پیشین، ج ۱۱، ص ۳۱۰.

۶۵. جعفری، محمد تقی: پیشین، صص ۷۰-۶۹.

۶۶. هنجی، علی: پیشین، ص ۹۱.

یکی از راههای حمایت و الزام عمومی در رعایت و احترام به کرامت انسانها وضع قوانین شرعی است. در نظام حقوقی اسلام هرگونه عملی که به کرامت و شخصیت انسانها لطمه وارد کند، ممنوع است. غیبت، تجسس، عیب جویی، مسخره کردن، طعنه زدن و ... از مواردی هستند که به آبروی انسان محترم زیان می رساند و به همین دلیل از آن نهی شده است.<sup>۶۷</sup> پیامبر گرامی اسلام فرموده اند: «ان الله حرم من المسلم دمه و عرضه و ان یظن به ظن السوء.»<sup>۶۸</sup> خداوند متعالی جان، آبروی مسلمانان را محترم شمرده و هتک آن و ظن سوء نسبت ایشان را حرام نموده است.

این احترام و حمایت در قالب دستورات دینی بسیار مورد توجه بوده است.<sup>۶۹</sup> به عنوان نمونه تکریم و احترام به شخصیت انسان و حفظ حرمت انسانی، جایگاه خاصی در سیاستگذاریهای حضرت علی علیه السلام داشت. امام علی علیه السلام حفظ حرمت انسانی را بر همه چیز مقدم می داشتند و حتی حاضر بودند در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بهای سنگینی برای آن پردازند. به عبارت دیگر، می توان گفت که حفظ حرمت و شخصیت انسانی، از برنامه های استراتژیک امام علی علیه السلام در سیاست و حکومتش به شمار می رفت.<sup>۷۰</sup>

<sup>۶۷</sup> . حقیقت، صادق و میرموسوی، علی: مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و مکاتب دیگر، چاپ اول، نشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه، تهران، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۲۳۸.

<sup>۶۸</sup> . نمازی، علی: مستدرک سفینه البحار، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۹ هـ.ق، ج ۷، ص ۳۸.

<sup>۶۹</sup> . رک: منتظری، حسین علی: پیشین، صص ۳۴-۳۵ و حقیقت، صادق و میرموسوی، علی: پیشین، ص ۲۴۰.

<sup>۷۰</sup> . علیخانی، علی اکبر: کرامت انسانی در سیره سیاسی امام علی علیه السلام، فرهنگ، شماره ۲۷-۲۸، ۱۳۷۷ هـ.ش، ص ۲۱۸.

بخش سوم: نتیجه

آنچه در این نوشتار به دنبال آن بودیم ترسیم و تبیین مفهوم، جایگاه و ویژگی های کرامت انسان بود که در حد امکان به آن پرداخته شد. البته چیدمان مطالب به گونه ای بود که می توان در فضای مقایسه ای نیز این داده ها را ملاحظه نمود. به هر حال هرچند وسع این قلم اندک بوده، ولی شاید تا حدودی توانسته باشد مرزهای اصلی و اولیه پیرامون موضوع مهم و اساسی کرامت انسان را تبیین و ترسیم نماید. آنچه انکار ناپذیر می نماید جایگاه ویژه کرامت انسان در مناسبات حقوقی امروزه جامعه جهانی است. بی شک بسیاری از تعاملات، تفاهمات، کنوانسیونها، کنشها و واکنشهای بین المللی با رویکرد شناسایی، حمایت و حفظ کرامت ابناء بشر آن هم بالسویه صورت می پذیرد. این کرامت لازمه زندگی اجتماعی، هدفمند و رو به رشد در بستر تکامل همه جانبه انسانهاست.

رسیدن به آزادی، صلح و عدالت بدون اعتراف به حیثیت ذاتی و کرامت انسانی و پذیرش واقعی آن امکان پذیر نیست و این مساله ای نیست که فقط با بیان جملات شبیه به هم با مضمون انسان موجودی با کرامت است، انسان دارای کرامت است، تحقق یابد، بلکه این مساله ای بسیار اساسی است که بدون حل آن مبنای حقوق بشر اثبات نشده تلقی می شود و این، مساله بسیار مهم اثبات حیثیت ذاتی انسانهاست»<sup>۷۱</sup>

این نکته را نیز باید اعتراف نمود که تکیه بر کرامت والای انسانی که سبب ساز رشد و تکامل فردی و اجتماعی جامعه خواهد بود، می تواند در ایجاد و تداوم صلح پایدار و امنیت جهانی نقش به سزایی داشته باشد.

<sup>۷۱</sup> . جعفری، محمد تقی : پیشین، ص ۹۸، با اندکی تلخیص.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

منابع فارسی

- ایازی، سید محمد علی: کرامت انسان و آزادی در قرآن، فصلنامه بینات، شماره ۵۳، ۱۳۸۶ هـ. ش.
- باقر زاده، محمد رضا: اندیشه جهان شمولی حقوق بشر (دیدگاه مقایسه ای میان اعلامیه جهانی و اسلام)، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۶، ۱۳۸۴ هـ. ش.
- جعفری، محمد تقی: تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر، چاپ اول، نشر دفتر خدمات حقوقی بین المللی، تهران، ۱۳۷۰ هـ. ش.
- جمشیدیان، عبدالرسول: کرامت نفس در تربیت اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- جوادی آملی، عبد الله: کرامت در قرآن، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگی رجا، تهران، ۱۳۶۶ هـ. ش.
- حسینی، سید ابراهیم: حقوق بشر و چالش های فرا رو در آئینه فلسفه حقوق اسلامی، مجله معرفت، شماره ۸۲، ۱۳۸۳ هـ. ش.
- حقیقت، صادق و میرموسوی، علی: مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و مکاتب دیگر، چاپ اول، نشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه، تهران، ۱۳۸۱ هـ. ش.
- خاوری یعقوب: حمایت قانونی از کرامت انسان در قوانین ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، ۱۳۷۹ هـ. ش.
- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه دهخدا، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳ هـ. ش، ج ۱۱.
- سبحانی، جعفر: اخلاق اسلامی، درسهایی از مکتب اسلام، قم، سال ۳۴، شماره ۱۱، ۱۳۷۶ هـ. ش.
- صادقی، محمود: کرامت انسانی مبنای منع همانند سازی انسان در اسناد بین المللی، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲ و ۳، ۱۳۸۵ هـ. ش.
- عالی نژاد، جمشید: بررسی کرامت نفس انسان در اسلام و مقایسه آن با دیدگاه فلاسفه معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱ هـ. ش.

علیخانی، علی اکبر: کرامت انسانی در سیره سیاسی امام علی علیه السلام، فرهنگ، شماره ۲۷-۲۸، ۱۳۷۷ هـ ش.

قرائتی، محسن: تفسیر نور، چاپ اول، چاپ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۰ هـ ش، ج ۷.  
قرائتی، محسن: گناه شناسی، تهران، انتشارات بهار آزادی، ۱۳۶۹ هـ ش.  
مصباح، مجتبی: فلسفه اخلاق، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۱ هـ.

مصباح، محمد تقی: دروس فلسفه اخلاق، چاپ سوم، انتشارات مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳ هـ ش.  
مصباح، محمد تقی: نظریه حقوقی اسلامی، چاپ اول، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۰ هـ ش.

مطهری، مرتضی: بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، نشر حکمت، تهران، ۱۴۰۹ هـ ق.

مطهری، مرتضی: نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هشتم، انتشارات صدرا تهران، ۱۳۵۷ هـ ش.

مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، حکمت عملی، انتشارات صدرا، چاپ اول.

معین، محمد: فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ هـ ش.

منتظری، حسین علی: رساله حقوق، چاپ دوم، انتشارات سرایی، قم، ۱۳۸۳ هـ ش.

مهرپور، حسین: حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، چاپ مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ هـ ش.

نمازی، علی: مستدرک سفینه البحار، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۷.

و.ژ. گانزوف: حمایت حقوق بشر در حقوق اساسی، ترجمه نجاد علی الماسی، چاپ اول، انتشارات مؤسسه حقوق تطبیقی.

هنجری، علی: پیدایش حقوق بشردوستانه جنگ و جلوه‌هایی از حفظ حیثیت انسانی در رفتار

رزمندگان با یکدیگر، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شماره ۳۹، ۱۳۸۳ هـ ش.

منابع عربی

آمدی، عبد الواحد بن محمد: غرر الحکم و درر الحکم، انصاریان، تهران، ۱۳۷۴ هـ ش، ج ۲.

ابن بابویه، محمد بن علی: الامالی، خرسندی، تهران، ۱۳۸۹ هـ ش، ج ۲.

- ابن فارس: معجم مقائيس اللغة، دارالكتب العلميه، بيروت ، ١٤٢٠هـ ق، ج ٢.
- ابن منظور، لسان العرب، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٦ق. ج ٤.
- ابى على مسكويه، تهذيب الاخلاق و تطهير الاعراق، قم، انتشارات بيدار، بى تا.
- حر عاملى، محمدبن حسن: وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠١ هـ ق، ج ١١.
- حوى، سعيد: الاساس فى التفسير، چاپ دوم، نشر دارالسلام، قاهره، ١٤٠٩ هـ ق، ج ٦.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد: المفردات فى غريب القرآن، چاپ اول، دارالعلم، بيروت، ١٤١٢ هـ ق.
- رشيدالدين ميبدى، احمد بن ابى سعد: كشف الأسرار و عدة الأبرار، چاپ پنجم، انتشارات امير كبير، تهران، ١٣٧١ هـ ش، ج ٥.
- الزبيدى، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دار مكتبه الحياه، بى تا، ج ٦.
- طباطبائى، محمدحسين: الميزان، نشر بنياد علمى علامه طباطبائى، تهران، ١٣٦٤ هـ ش. ج ١٩.
- طبرسى، فضل بن حسن: مجمع البيان فى تفسير القرآن، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ١٣٧٢ هـ ش، ج ٦.
- فتحى سرور، احمد: القانون الدولى الانسانى، چاپ اول، چاپ دار المستقبل العربى، القاهره، ٢٠٠٣ م.
- الفراهيدى، عبدالرحمن الخليل بن احمد: العين، چاپ دوم، موسسه دارالهجره، بيروت، ١٤٠٩ هـ ق.
- مصطفوى، حسن: التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، ١٣٦٠ هـ ش ، ج ١.
- نورى، ميرزا حسين: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ دوم، نشر موسسه آل البيت الاحياء التراث، بيروت، ١٤٠٨ هـ ق، ج ١٣.
- منابع انگليسى

Blake E. Ashforth: **Dignity at Work**, Administrative Science Quarterly, Vol. ٤٧.No. ٤, Cornell University, ٢٠٠٢.

H. Victor Condé: **A Handbook of International Human Rights Terminology**, University of Nebraska Press, Lincoln, ١٩٩٩.

Shorter Oxford English Dictionary, 8th, Oxford University press, London, 2002.

William F. Schulz :Human rights for human dignity A primer on economic, social and cultural rights, Oxford, London, 2005.